

برادران دینی سلام

چندی قبل نامه ترجمه شده مرا با امضای احمد م که از مواضع مکتوب شما و اساسنامه تان مندرج در سایت موحدین آزدیخواه ایران تشریح شده تقدیر و تمجید نموده بودم و اظهار علاقه مندی به همکاری کرده بودم منعکس نمودید لیکن با مطالعه تحلیل اخیرتان تحت عنوان وهابیت و علل خصومت با آن در ایران مناسفانه به رگه های انصرافی که گویای عدول شما از اهداف و شعارتان است برخورد نمودم که امیدوارم ضمن توجه به این نوشتار آنرا برای انعکاس مناسب تشفیص دهید.

آیا نیاز امروز ایران و کشورهای اسلامی نگاه نقادانه و جهت دار به گذشته های بسیار دور است تا مثلاً ثابت کنیم کی حق بوده و کی ناحق و یا ریشه تشیع در چیست و یا احمدبن تیمیه کیست و وهابیت چه اعتقادی دارند آیا درس نگرفته ایم و تجربه نیاموخته ایم که هر گاه اراده و وقت و انرژی خود معطوف این مسایل کرده ایم هزاران کتاب و استلال و شاهد و اثتنبات و بازگویی خواب و ... بکارگرفته شده است تا به اصلاح موحدی بتواند موحد دیگری را محکوم کند /رسوا کند و یا بی آبرویش نماید تا مثلاً چه شود یکی از طرفین احساس فرور و قدرت کند در حالیکه در لابلای آن مباحث و جنجالها فقط خداییکه همه مان از او دم میزنیم میدانند چقدر آن ضروری بوده و چه میزان دور از هواهای نفسانی و چاشنی های سیاسی و قدرت طلبانه !!! آیا اگر همه ما مسلمین فقط برای موحد بودن خودمان و موحد دانستن دیگران به حکایت موسی و شبان توجه کنیم پایدانی بر

مباحث انصرافی و کشنده و ویرانگر عالمانی چون شما و اخوندهای درباری ایران و عربستان و مصر و چه میدانم ... و ... نخواهد بود !قرنهاست تمام مسیحیان در فرق مختلف و یهود با اتحاد و همراه نمودن سایر ادیان حق و ناحق بر علیه ملل اسلامی اعم از حنبلی /شافعی /مالکی /شیعی /وهابی یا به ضم شما حنبلی جدید (پیرو احمد بن تیمیه)و ...و ...متحد شده و منابع غنی ما را به تاراج میبرند و هر روز با آفرینش و خلق کدورتی آتش بیار جنگی بین ما میشوند و اهل توحید را به خاک و خون میکشند و برای عقب ماندگی و فقر و بد بختی مان تلاش میکنند آنوقت سزاوار است تشکلهایی چون شما با آن اساسنامه و شعار گام در راهی نهید که به جای ایجاد وحدت عملی باز هم خود را وقف مباحث بی فایده و انصرافی نماییم !شما را به حق خدای ابراهیم (ع) و موسی(ع) و عیسی(ع) و محمد(ص) و خدای همه صالحان و پاکان و خدای مابندگان بی گناه و با گناه که یقین دارم همگی با راه های و روشهای مختلف موحد و خدا دوستیم بیاییم با نقد رفتارهای دولتمردان و حکام جهان اسلام و راهنمایی و ارشاد آنان با ایجاد آرامش آینده ای زیبا و روش برای همه موحدین و حتی بی دینان (برای جذب بی دینان بسوی خالق یکتا)حرکت کنیم که در آن صورت هم خدا را خوب معرفی کرده ایم هم بالهای خفاش و پنجه های کفتار کدورت و کینه و عداوت و فرقه گرایی را از سر ملل اسلامی قطع خواهیم نمود.
سر بلند و موفق باشید
احمد/م...توکیو

بسم الله الرحمن الرحيم

توضیحاتی در انتقاد آقای احمد - م

آنچه در نوشته انتقادی برادر احمد، در انتقاد به تحلیل سماء آمده است ، نقد تحلیل سماء نیست، بلکه بنحوی در راستای آنست ، و آنچه در متن ایشان در نفی فرقه گرایی آمده نظر سماء است . ما نمیدانیم که برادر احمد چگونه این تحلیل را مطالعه کرده ، ولی حتما لازم است در نقد چیزی ، مطلبی از آن برای نمونه آورده شود . اگر منظور برادرمان اینست که مسایل گرم و زنده و رایج در میان مسلمین نباید مطرح شود ، تا اختلاف پیدا نشود!! ، باید گفت که این کار

تنها موجب عدم توجه به تضادهای موجود میگردد. سماء در تحلیل: وهابیت و علل خصومت با آن در ایران، که با دقت و با توجه به همه جوانب، نگاشته شده سعی کرده که این اختلافات را مهیار و هدایت کند و مسلمین را دعوت به تحمل یکدیگر و کثرتگرایی و صرف نظر کردن از تکفیر و لعنت همدیگر کرده است، تا راه بحث و گفتگو و فهم متقابل گشوده شود و راه انتخاب و آزادی اجتهاد ممکن گردد. و حتی سماء تاکید نموده که مشکل اساسی عقاید باطل و شرک و خرافه‌گری نیست، بلکه مشکله اساسی نظامهای استبدادی است، که مجال بحث و گفتگو را بکلی نابود کرده اند. و موضع سماء نسبت به مذاهب و عداوت مسلمین خیلی روشن و واضح است و سماء کارش توحید و آزادی و اسلام اجتهادی و روشنگری است و از شعارهای خود هیچ عدول نکرده است!! و مشابه این مطالب چه در رابطه با حدیث و چه در رابطه با شیعه صفوی و مطلقه و انتصابی، در متون سماء، به آسانی یافت میشود.

علاوه بر این، برادرمان تکفیر و لعنت متقابل گرایشات اسلامی را تاریخی و خیلی دور میدانند!! کاش اینطور بود، اما افسوس که اینطور نیست، و این تکفیر و لعنت علاوه بر ریشه تاریخی حالا هم حی و زنده است، و اگر اینطور نبود نیازی به وحشت از طرح آنها پیدا نمیکرد. تازه چرا نباید امکان این وجود داشته باشد که یک سازمان فکری سیاسی بتواند در رابطه با عقاید و سنتهای غلط اظهار نظر کند؟!، پس مبارزه فکری- سیاسی و آزادیخواهانه برای چیست؟! آیا نقد وضع و مذاهب موجود جزو آزادی بیان نیست؟! اصلا وحشتی که از طرح چنین موضوعاتی وجود دارد نشانه این نیست که هنوز این قضایا زنده اند؟! چون اگر چیزی تاریخی و مربوط به گذشته شد، خود بخود، حساسیت خود را از دست میدهد و امثال برادر عزیزمان از طرح آن نگران نمیشوند و طراحانش را هم به عدول از شعارهایشان متهم نمی کنند.

چند سوال از برادر احمد- م: آیا مسئله حدیث و میزان اهمیت آن و نقش آن در تشریح و قانونگذاری، نیازمند موضع نیست؟ آیا تکفیر و لعنت مستمر و زنده و متقابل گرایشات و مذاهب اسلامی مستحق موضعگیری و مستحق سرزنش

نیست؟ آیا استبداد مذهبی ناشی از همین نگرش تکفیری و لاعنیه نیست؟
بالاخره چه زمانی امکان اظهار نظر در مورد مطلقیات ساختگی فرا میرسد؟!
چرا باید اظهارات معقول و مستدل و محترمانه مشکل زا و انحراف تلقی شود؟!
آیا شخص شما بهتر نبود که یک مقدار آرامتر با راه و روشی که مورد تحسین و
و تایید شماست، برخورد کنید، و یا ذهنیت بوجود آمده را با یک مقدار انعطاف
مطرح کنید و یا توضیح بخواهید؟ آیا فکر میکنید که خط و راه روشن و معقولی
چیزی بنویسد که یکسره با مواضع قبلی اش منافات داشته باشد؟ و بالاخره اگر
شما این تحلیل را این همه نامربوط تشخیص داده اید، آیا بهتر نبود که از آن
مشکوک شوید، که نکند اخلاقی یا چیزی روی داده باشد؟!، همانگونه که
موضع متضاد شما برای سماء جای شک و دو دلی است!!، آیا نقد غیر دوستانه
شما حقیقتاً در اعتراض به تحلیل سماء است یا برای خنثی سازی مواضع قبلی
که در تایید سماء ارائه کرده بودید؟ آیا تحلیل چگونگی شناخت محمد «ص» را
مطالعه کرده بودید؟ آیا تحلیل جوامع ایران و نظام خمینی را مطالعه کرده
بودید؟ تحلیلهایی که اساس این تحلیل جدید هستند. شاد و موفق باشید.

سازمان موحدین آزادیخواه ایران

۴ شعبان ۱۴۲۳ - ۱۹ مهر ۱۳۸۱

وهابیت و علل خصومت با آن در ایران
۲۹ رجب ۱۴۲۳ - ۱۴ مهر ۱۳۸۱